

یادداشت روز

عدالت فرهنگی



علی فرامرزی

● موقع برگشتن توی فکر بودم، همسرم پرسید به چی فکر می‌کنی؟! معمولاً این پرسش را وقتی می‌کند که می‌داند موضوعی در ذهنم گیر کرده و شاید هم فکرم به آن گیر داده است. به دیدن نمایشگاه نقاشی‌ها و مجسمه‌های هنرمندی رفته بودیم که نزدیک به ۵۰سال است نقاشی می‌کند؛ در سالن بزرگ یکی از گالری‌هایی که تازه باز شده و چه سرمایه‌ای را در آنجا صاحبش معطل گذارده است. گفتم فلانی بعد از نمایش با این تعداد تابلو و مجسمه چه کار می‌خواهد بکند؟! نگهداری اینها خودش نیاز به انباری ۵۰متری دارد، واقعا چه‌کارشان می‌خواهد بکند؟! گالری هم نمی‌تواند جایی را به کارهای فروش‌رفته اختصاص دهد. فکر کردم نمی‌شود هم برای خلاص‌شدن از این تعداد حجم... گفتم اگر هنرمندش را دیدم حتما می‌پرسم با کارهای فروش‌رفته چه کرده است. چندروز قبل وقتی صحبت از فروش حراج تهران بالا گرفته و گرم بود، بونجکاو شدم و سری به سایت‌های ورزشی زدم و سعی کردم ارقامی از قراردادهای ورزشکاران، مخصوصاً فوتبالیست‌ها را ببینم... نمی‌دانم شما هم تاکنون این کار را کرده‌اید یا نه، بد نیست، اگر فرصت دارید یک سری بزنید، یک سری بزنید تا شمایي که به‌عنوان بخشی از آبروی این کشورید و قطعه‌ای از یک دیپلماسی فرهنگی این دیار را تشکیل می‌دهید، جایگاه واقعی خود را به‌لحاظ اقتصادی ارزیابی کنید. ممکن است بگویم خب در همه دنیا وضع همین‌گونه است و هیچ‌کجا درآمد یک هنرمند متعلق به بدنه جامعه تجسمی با یک فوتبالیست قابل‌مقایسه نیست؛ بخشی از جواب شما می‌تواند این باشد: آیا در آن جوامع بودجه هردو این بخش‌ها را دولت تعیین می‌کند و می‌پردازد؟! آیا در آن جوامع هم مجلس بر مقدار بودجه پشتیبانی دولت برای این دو بخش مهر تأیید می‌زند یا آن را کم و زیاد می‌کند؟! یادم‌ان باشد که در اکثر کشورها بخش ورزش نه‌تنها از بودجه کشور مصرف نمی‌کند بلکه به شکل‌های مختلف برای دولت درآمدزا هم هست و درآمد حاصله صرف سوبسیدهای فرهنگی جامعه می‌شود. آیا در آن جوامع تعادلی بین مشوق‌های دولتی برای سرمایه‌گذاری در هنر و ورزش به همین شکل نابرابر و غیرقابل‌مقایسه و ناعادلانه‌ای است که ما داریم تجربه می‌کنیم؟! البته درباره مالیات خرید آثار هنری ظاهراً معافیت وجود دارد. داشتم تجسم می‌کردم (این تجسم‌کردن هم برای ما اهل تجسمی بیشتر گلگیر شده است!!) وقتی در هیات دولت یا در مجلس شورا دارن مقدار بودجه این دو بخش ورزش و فرهنگ را تعیین می‌کنند، وزیر مسئول بخش فرهنگی ممکن است چه احساسی پیدا کند یا چه افکاری به ذهنش خطور کند؟! به‌ویژه اگر به یادش باشد که رقم اختصاص‌داده‌شده به کل تجسمی کشور چه عددی را تشکیل می‌دهد و فی‌المجلس آن را با بودجه رشته‌های ورزشی هیجان‌ساز برای علمه جامعه، مقایسه کند! شما دولت محترم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شما وزیر محترم فرهنگ و ارشاد همه می‌دانید که برای به‌حرکت‌درآوردن چرخ اقتصاد هنر لزوماً نباید از بودجه‌های ضروری کشور هزینه کرد، لزومی ندارد فلان پروژه عمومی و عمرانی تعطیل بشود، بسیاری از راه‌ل‌های تجربه‌شده و مبتکرانه وجود دارد که اگر اراده و توجه لازم و بلندمدت وجود داشته باشد، می‌تواند این معضل طبقه مولد و فرهنگی جامعه را حل کند؛ مهم این است که بپذیریم مشکل وجود دارد، می‌شود از بسیاری راه‌حل‌ها بهره برد، هم‌چنان‌که در بسیاری از کشورهای دیگر انجام پذیرفته است و ما خود در موقعیت‌های زیادی با اتکا به خلاقیت‌های عمومی جامعه و بهره‌گیری از هوش اجتماعی توانسته‌ایم کارهای بزرگی را به انجام برسانیم، «ان، جی، او»ها را باور کنیم و در عمل به آنها اعتماداف نفس و اعتبار ببخشیم و البته که لازم است این تشکل‌ها هم خود را عامل ربنند نه دانی‌ای طلبند و استفاده از دانش و تجربه دیگران را سرلوحه قرار دهند و با بهره‌گیری از تخصص‌ها و دانش هر بخش به خود و مسئولیت به‌کردن‌گرفته گسترش و غنا بخشند.

هنر

زبان‌شناسی شناختی

● شرق: در دوران معاصر، در علوم شناختی و علوم وابسته به رابطه زبان و ذهن، دو انقلاب معرفت‌شناختی جدی اتفاق افتاده است. جورج لیکاف و مارک جانسن این دو تحول معرفت‌شناختی را «علوم شناختی نسل اول» و «علوم شناختی نسل دوم» نامیده‌اند. جاسمکی در انقلاب اول و لیکاف در انقلاب دوم بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. به‌تازگی کتاب «زبان‌شناسی شناختی» نوشته و ترجمه دکتر رضا نیلی‌پور به همت انتشارات هرمس منتشر شده است. نشست فتهگی شهر کتاب سه‌شنبه ۱۲ مرداد ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «زبان‌شناسی شناختی» اختصاص دارد که با حضور دکتر ضیاء موحد، دکتر رضا نیلی‌پور و دکتر آرتنا افشاری در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود.

چرا «تقوایی» و هم‌نسلانش توسعه ترومنی را برنتافتند

شرق: ۷۵سالگی تقوایی بهانه‌ای شده برای بازخوانی آثار این فیلم‌ساز؛ در سومین شب از هفته فیلم ناصر تقوایی، سه‌شنبه پنج مرداد فیلم‌های مستند «اربعین»، «باد جن»، «مشهدقالی»، «تاکسیمتر» و «تان‌خورهای بیسوادی» این کارگردان در تالار استاد شهناز خانه هنرمندان روی پرده رفتند و پس از آن هم نشست نقد و بررسی فیلم‌ها با حضور محمدرضا اصلانی، شادمهر راستین و پدram اکبری برگزار شد. به گزارش روابطعمومی خانه هنرمندان ایران، در ابتدای نشست، اکبری ضمن ابراز تأسف از اینکه در سال‌های اخیر کمتر شاهد آثار تقوایی بوده‌ایم، گفت: تقوایی کار مستندسازی را هم‌زمان با راه‌اندازی تلویزیون ملی آغاز کرد. او جزء جوانان تحصیل‌کرده‌ای بود که در آن دوره به تلویزیون پیوسته بودند. برخی مستندهای او به شکل گزارش تلویزیونی و بدون دخالت کارگردان ساخته شده‌اند؛ اما در ادامه می‌بینیم همراه با رشد امکانات فنی، تقوایی نیز رشد می‌کند؛ هم از نظر انتخاب و هم از نظر درون‌مایه فیلم‌ها و ساختار آنها. او مسائل فرهنگی و اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد که ریشه در فرهنگ ایران دارند.

پس از آن محمدرضا اصلانی به چگونگی رشد نسلی از فیلم‌سازان هم‌دوره تقوایی پرداخت و گفت: امروز می‌توان پرسید چگونه ناصر تقوایی و جمعی از دانش‌آموختگان داخل و خارج از کشور توانستند مجموعه‌ای تأثیرگذار را شکل دهند؟ این موضوع به مدیریت فرهنگی در آن دوره برمی‌گردد؛ این امکان فراهم شده بود که استعداد‌های موجود براساس اشتیاق خود عمل کنند. برای مثال با حضور ابراهیم گلستان در شرکت نفت، شاهد حضور و عمل مجموعه‌ای از افراد از جمله اخوان‌ثالث، فروغ فرخزاد، احمد شاملو، نجف دریابندری و... هستیم که احساسی بومی در آنها شکل گرفته است. همین اتفاق با حضور منوچهر انور در سازمان برنامه می‌افتد. در صورت نبود مدیریت فرهنگی، احتمالاً چنین رویکردها و عملکردهایی نیز شکل نمی‌گرفت.

کارگردان «جام حسلو» ادامه داد: در وزارت فرهنگ وقت نیز شاهد سیاستی تبلیغاتی هستیم؛ اما این امکان نیز فراهم می‌شود که کسانی مانند کامران شیردل، ناصر تقوایی، خسرو سینیایی، منوچهر طباط و... فیلم‌هایی بسازند که ربطی به مسیر تبلیغاتی و ترویجی آن نظام و آن سامان نداشت، در واقع ارادای معطوف به فرهنگ و امکان بروز وجود داشت. در این وضعیت، حتی تنش‌های موجود نیز نقشی زاینده بازی می‌کردند. در تلویزیون ملی نیز شاهد فعالیت افرادی مانند فریدون رهنما، مصطفی فرزانه و فرخ غفاری هستیم که تجربه‌ای جهانی دارند و در این سازمان به‌عنوان مدیر حضور پیدا می‌کنند. آنها نیز در هر بخش، جریان خاص خود را شکل می‌دهند. به‌رحال کسانی مانند تقوایی، حاتمی، کیمیوی و... از دل چنین وضعیتی بیرون می‌آیند.

اصلانی اضافه کرد: «آن زمان از سینمایی مستند تقاضای ترویج‌گری در راستای توسعه وجود داشت؛ اما کسانی مانند ناصر تقوایی علاوه بر جست‌وجوهای برانگیزاننده در این فیلم‌های مستند، نگاهی نفاذانه دارند و به‌دنبال کشف هستند. فراموش نکنیم برنامه‌های

ساخته‌شده در تلویزیون، درواقع اولین تجربه‌ها در این مسیر محسوب می‌شدند، پیش‌ازاین چندان تجربه رسانه‌های تصویری وجود نداشت و ساخت این مستندها، به نوعی تجربه‌کردن نیز محسوب می‌شد. چنین تجربه‌هایی در آن بازه زمانی، به نظر من کارهای شجاعانه‌ای بود.»
کارگردان «چنین‌کنند حکایت»، ادامه داد: یک دلیل اینکه کسی مانند تقوایی می‌تواند به‌سرعت و در دو سال این‌گونه رشد کند، حضور افرادی است که از هنرهای مختلف پا به سینما و رسانه گذاشته بودند. تقوایی خود یک رمان‌نویس فوق‌العاده بود که می‌توانست یکی از نویسندگان پیشرو ایران باشد، او به این مسیر ادامه نداد و اگر این اتفاق می‌افتاد، به یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان ایران تبدیل می‌شد. در آثار او شاهد تأثیر رمان‌نویسی آمریکایی و در شرکت نفت، شاهد حضور و عمل مجموعه‌ای از نویسندگان پیشرو ایران باشد، او به این مسیر ادامه نداد.

علاوه بر این، تجاربی نیز در استودیو گلستان کسب کرده است؛ این‌طور نبوده که با ورود به تلویزیون، ناگهان دوربین ۳۵میلی‌متری در دست گرفته باشد؛ او با بینش ادبی خود وارد سینما می‌شود. سایر افراد نیز به همین ترتیب وارد این حیطه می‌شوند؛ شیردل و سینیایی و طباطباهر سه پیش از ورود به جهان سینما، درس معماری خوانده‌اند. با ابراهیم گلستان پیش از آنکه فیلم‌سازی بزرگ باشد، یک نویسنده بزرگ است.

او ادامه داد: «مدیریت فرهنگی اجازه داد این توانایی‌ها کشف و جذب شوند، در دهه‌های اخیر و به‌ویژه در دهه ۷۰ نیز دوره‌های درخشانی در صداوسیما

بازخوانی مستندهای کارگردان با حضور اصلانی، راستین و اکبری



تصویر از فیلم (بادجن) به کارگردانی ناصر تقوایی

داشته‌ایم، اما الگوهای وجود دارد که همواره از دست می‌روند و فراموش می‌شوند. باید بداییم چطور می‌شود به استعداد‌های جوان میدان داد و به پرورش آنها پرداخت. اگر نخستین فیلم‌های علی حاتمی را ببینیم، گمان می‌کنیم او هیچ‌گاه نمی‌تواند به یک فیلم‌ساز تبدیل شود؛ اما مدبری وجود داشته که از پشت فیلم‌های کوتاه حاتمی تشخیص داده که او قادر است به‌عنوان یک فیلم‌ساز درست وارد عرصه شود؛ با نخستین فیلم سینمایی تقوایی، نه با بودجه بلکه با پشتیبانی تلویزیون ساخته شده است.»

به اعتقاد اصلانی، تقوایی جزء نسل‌های دهه ۴۰ و ۵۰ است که توجه آنها را به «خود» به‌عنوان یک امر حیاتی و ملی معطوف کردند: «این صرفاً به‌معنای ملی‌گرایی نیست، بلکه آنها متوجه می‌شوند که باید چیزی در درون فرهنگ خود کشف کنند که بدون آن، ادامه حیاتش متزلزل خواهد بود. هیچ قرارداد مشخصی بین آن مدیریت فرهنگی و این نسل وجود ندارد؛ اما هر دو بی‌اختیار به سمت کشف و خودیابی می‌روند. این‌گونه است که یک «آتش» ابراهیم گلستان و «اربعین» ناصر تقوایی به هم شباهت پیدا می‌کنند. تقوایی به سمت کشف در فضاهایی می‌رود که در سکوت فرو رفته‌اند؛ روستاهایی که ویران شده و تاریخ خود را از دست داده‌اند. چنین نگاهی در آن سن‌وسال واقعا تحسین‌برانگیز است. همه اینها نشانه‌ای‌ست از اینکه یک روح ایرانی در حال شکوفایی است. برخلاف دوران مشروطیت که می‌خواستیم از سر تا پا غربی شویم، در این نسل خودپذیری جایگزین دیگرپذیری می‌شود.»

این کارگردان سینمای ایران در پایان به بی‌توجهی به حفظ آثار فرهنگی، اعتراض کرد و گفت: نمایش این آثار با چنین کیفیتی، درواقع قتل آنها به حساب می‌آید

و توهینی به سازندگان آنهاست. صداوسیما نه آرشیو و محل احیای این آثار، بلکه مدفن و مزار آنهاست. ویژگی‌های صوتی و تصویری فیلم‌هایی که به نمایش درمی‌آیند، به‌دلیل کیفیت پایین اساساً دیده نمی‌شود. پس ما صرفاً با خاطره خودمان با آنها مواجه می‌شویم، به‌جای اینکه با خود اثر روبه‌رو شویم. بارها و بارها درباره این مسئله هشدار داده و اعتراض کرده‌ایم اما هیچ تأثیری ندارد. این‌گونه است که آثار، اندیشه و نیروی فرهنگی ما به خاک سپرده می‌شود.»

پس از آن شادمهر راستین نیز به دوران تاریخی رشد تقوایی اشاره کرد و گفت: در آن زمان و طبق اصل ۴ ترومن، قرار بود توسعه‌ای آمریکایی در ایران اجرا شود. در این مسیر نخستین کار ثبت وضعیت موجود و سپس تدارک مسیری برای آینده بود. بنابراین ساخت مستندها و ثبت وضعیت اهمیت پیدا می‌کند. اما مستندسازیانی که وارد این کار می‌شوند، جریانی انتقادی به آن شکل از توسعه را پدید می‌آورند؛ جریانی که تا امروز نیز استمرار داشته است. این فیلم‌سازان، وضعیت موجود و شیوه توسعه درپیش گرفته‌شده در آن زمان را برنتافتند.

این منتقد سینمایی ادامه داد: در پاسخ به چرایی شکست در نبردهای تاریخی، عباس میرزا دلیل می‌آورد که ما ارتش منظم نداشته‌ایم. اما صادق هدایت دلیل آن را شناخت نداشتن از خود و اینکه اساساً کجایی هستیم، می‌داند. در دوران رشد هم‌نسلان تقوایی، مدیریت فرهنگی به این قضیه حساس بود که چیزی دارد از دست می‌رود. این نسل نیز توانست مدیریت فرهنگی را مجاب کند تا برای فرهنگ ایرانی کار کند. تقوایی و هم‌نسلانش دوربین خود را به سمت جامعه برگرداندند. راستین در پایان صحبت‌هایش گفت: آن انرژی را که در سال ۵۷ در خیابان‌ها دیده شد این نسل پیش‌تر دیده بودند. آنها می‌دانستند روستاهای ما در چه وضعیتی به سر می‌برند و چه تفاوت‌هایی در جامعه وجود دارد. می‌دانستند درحالی‌که پروازهای بین‌المللی به مهرآباد در جریان نبود، در جاده‌های فرعی مهرآباد بی‌برقی و بی‌آبی و صف بی‌کاران پیداد می‌کند. آنها با دوربین‌های خود این مسائل را ثبت کردند تا بگویند ایران درحال تغییر است. در آن زمان، ۷۵ درصد جمعیت ایران در روستاها زندگی می‌کردند و اکنون این جمعیت به ۲۰ درصد رسیده است؛ تغییری که ناشی از مهم‌ترین مهاجرت در تاریخ ایران است. تقوایی جزء نسلی به شمار می‌رود که ادیان را کنار گذاشت و سینما را برگزید، زیرا از تأثیر رسانه اطلاع داشت. این تعویض مدیا هوشمندی تقوایی را نشان می‌دهد؛ اگرچه به نظر می‌رسد او هنوز در برابر دنیای دیجیتال تا حدودی مقاومت می‌کند.

از دیگر حاضران این برنامه، می‌توان به توفیق ابراهیمی و امیر کزایی اشاره کرد که جزء فیلم‌برداران آثار مستند ناصر تقوایی هستند. کزایی در سخنانی کوتاه، همکاری با تقوایی را جز افتخارات خود دانست و از خاطرات و سختی‌های ساخت فیلم «باد جن» سخن گفت. ابراهیمی نیز از خاطرات همکاری با تقوایی در تلویزیون گفت و خود را متقصر به همکاری با این کارگردان سینمای ایران دانست.

سنت هزارساله این هنر را ازطریق پیچ‌وتاب نوآورانه و معاصر به چالش کشیده است. مجسمه دیگری نیز که حرف «ع» را نشان می‌دهد و نماد کلمه عشق است از رامین شیردل در این نمایشگاه شنه شده است. تکرار لایه‌های حرف «ع» در این اثر، بر خصوصیات انتزاعی و فاصله خط تأکید می‌کند. رسول اکبرلو، بهرام حنفی، مهرداد شوقی و آرش لاهیجی دیگر هنرمندان ایرانی حاضر در این نمایشگاه هستند که آثارشان در زمینه نقاشی خط به نمایش گذاشته شده است. همچنین نقاشی‌ای از اریک سکلیا از کشور ایتالیا یکی دیگر از آثار این نمایشگاه است. در کنار این آثار می‌توان به سه مجسمه آلفرد بسبوس اشاره کرد. آثار این هنرمند لبنانی برگرفته از سنت مدرنیسم به‌ویژه آثار هنری مور و ژان آرب، است. مجسمه‌های او به بررسی خصایص انتزاعی فرم‌های انسانی از طریق موادی مانند چوب، سنگ و سنگ مرمر می‌پردازد. سه اثر سر فنیقی، ستایش زن از او در این نمایشگاه نشان داده شده‌اند. بسبوس یکی از مجسمه‌سازان مدرنیست شناخته‌شده در لبنان و خاورمیانه است که آثارش در موزه‌هایی در آکسفورد، پاریس و بسیاری از موزه‌های دولتی و خصوصی نگهداری می‌شوند.

آزاده دانشمندان، شادی سعیدی، شهباز سلمانی، امیر سقراطی، مریم ساوجی، اسدالله شریعت‌ناهی، شهریار مصمصام، سونوا عبدالعظیم‌زاده، مهشاه عبدالقادر، محمدحسین عماد، شسیرین نمازی، لیلا قلوبی، محیا گیومرچان مدرسی، ندامعین افشاری، فرید مرشدزاده، علیرضا مسعودی، زهرا مداح، هویا میرمقتدایی، لیلا مرجوی، مینا نراقی و سارا نوروز، «صد اثر صد هنرمند» ۲۲۰ نقاشی و مجسمه از ۱۹۵ هنرمند را از ۱۰۰ هزار تا ۲۵۰ میلیون تومان به تماشای و فروش گذاشته است که دراین‌میان، آثاری از سهراب سپهری، آیدین آفدانشلو، منیر فرمانفرمایان، فریده لاشانی، ناصر اویسی، هوشنگ پرش‌گنیا، سیراک ملکونیان، حسین محجوبی، بهرام دبیری، جلال شباهنگی، رضا مافی، مش اسماعیل، عبدی اسبقی، بهمن نیکو و ... از جوان‌ترها نیز شهره مهران، گلنار قدیری، حسین چراغچی، شمس‌الدین غازی و... دیده می‌شود. به رسم این رویداد، آثار فروخته‌شده از روی دیوار برداشته می‌شود و اثری دیگر از همان هنرمند روی دیوار می‌رود. به‌این‌ترتیب مخاطبان هر چند روز یک بار، یک نمایشگاه تازه را می‌بینند.بیست‌وچهارمین نمایشگاه «صد اثر صد هنرمند» تا ۲۷ مرداد در گالری گلستان به نشانی دروس، خیابان کماسایی، پلاک ۲۴ پیا خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند هر روز (به‌جز پنجشنبه‌ها) ساعت ۱۶ تا ۲۰ از این نمایشگاه دیدن کنند.

هنر

گوناگون

تمدید مهلت ارسال آثار به جایزه شاملو تا آخر مرداد

● شرق: مهلت ارسال آثار به دبیرخانه دومین دوره جایزه شعر احمد شاملو تمدید شد. به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی دبیرخانه جایزه احمد شاملو، با توجه به استقبال ناشران و شاعران از حضور در این رقابت ادبی، دبیرخانه این جایزه به‌منظور ایجاد فرصت برای کسانی که هنوز موفق به ارسال آثار خود نشده‌اند، مهلت ارسال آثار را تا پایان مردامه تمدید کرده است. دبیر دومین دوره جایزه احمد شاملو، حافظ موسوی است. براساس این فراخوان از شاعران محترم و نیز ناشرانی که در زمینه انتشار شعر فعالیت دارند، درخواست می‌شود سه نسخه از کتاب‌های چاپ اول شعر منتشرشده در سال ۱۳۹۴ را حداکثر تا پایان مرداد به دبیرخانه جایزه احمد شاملو ارسال کنند. دبیرخانه جایزه احمد شاملو در تهران، بزرگراه شهید خرازی (همت غرب)، شهرک امید دژبان، خیابان پارسا شرقی، خیابان یوشو، مجتمع مسکونی طلوع فجر، بلوک رفغان دو واحد ۲۲ (حافظ موسوی) واقع شده است. توضیح این نکته ضروری است که تاریخ مورد استاندارد برای تعیین سال انتشار کتاب‌ها، تاریخی است که در شناسنامه کتاب درج شده است.



برنامه‌ای

برای کشف استعداد‌های ایرانی

● «ویرتین» با هدف کشف استعداد ایرانی می‌آید. محسن احتشامی در نشست رسانه‌ای برنامه ویرتین (کشف استعداد ایرانی) در کانون ادیبیات ایران، با اشاره به اینکه طرح اولیه این برنامه از سه سال پیش کلید خورد، اظهار کرد: ویرتین اتفاق جدید در حوزه استعدادیابی هنری نیست به دیگر برنامه‌های با این تم است و جای خالی آن در ایران حس می‌شد. او با بیان اینکه این‌گونه برنامه‌های هنری معمولاً در دنیا اجرا می‌شود، افزود: ما در ایران برنامه‌های مختلف برای کشف استعداد موسیقی، بازیگری و گونه‌های دیگری داشته‌ایم، اما «ویرتین» تلاش کرده همه استعداد‌های هنری را در یک برنامه دور هم جمع کند.

تهیه‌کننده و کارگردان برنامه ویرتین ادامه داد: هدف اصلی این برنامه معرفی استعداد‌های جوان در حوزه‌های مختلف هنری است که به دلایل مختلف نتوانسته‌اند خود را مطرح کنند. درواقع ما با این برنامه، آنها را به مسئولان و برنامه‌سازان معرفی می‌کنیم.

احتشامی به تهاجم فرهنگی که همواره دغدغه مسئولان بوده است، نیز اشاره کرد و گفت: برای مقابله به تهاجم فرهنگی علاوه بر جلوگیری، باید چیزی برای عرضه هم وجود داشته باشد تا جوان به دنبال آن برود و ما تلاش کرده‌ایم با این برنامه شاد و استعدادیاب، با این مقوله نیز مقابله کنیم.

وی زمان و نحوه اعلام فراخوان فصل اول این بخش را فقط از طریق فضای مجازی عنوان کرد و افزود: پس از انتشار فراخوان بیش از ۴۷۰ نفر ثبت‌نام کردند که ۲۱ نفر برای مسابقه انتخاب شدند و درنهایت در سه مرحله مقدماتی، نیمه‌نهایی و پایانی نفر برگزیده انتخاب شده است.

این فعال فرهنگی با اشاره به اینکه دی‌وی‌های فصل اول برنامه از روز سه‌شنبه هفته آینده ۱۲ مرداد عرضه خواهد شد، توضیح داد: پس از بخش فصل اول و آشنایی مردم با این برنامه طبق تصمیمات گرفته‌شده امسال، سه فصل دیگر برای ویرتین برنامه‌ریزی کرده‌ایم. احتشامی در معرفی داوران بخش‌های مختلف ویرتین (کشف استعداد ایرانی)، گفت:

چهار داور در فصل اول ما را همراهی کردند که از جمله آنها مرتضی شایسته، تهیه‌کننده نام‌آشنای سینما، محمدحسین توتونچیان، تهیه‌کننده موسیقی، علی عطشانی، کارگردان سینما و خود بنده بودیم. به‌تازگی تهیه‌کننده برنامه «ویرتین» درباره رشته‌های مسابقه در این جشن نیز توضیح داد: انواع رشته‌های مختلف ازجمله موسیقی، بازیگری، اجرا، تقلید صدا، حرکات نمایشی، ابداعات جدید و هر نوع استعدادی که داوران تأیید می‌کردند، در این برنامه وجود داشت. محمدحسین توتونچیان، یکی از داوران برنامه می‌گوید: «ایده مسابقه استعدادیابی تازه نیست اما مهم اینجاست که کسی توانسته با شرایط خاص حاکم بر کشورمان، چنین کاری را انجام دهد». در این نشست میلاد احتشامی، جانشین تهیه‌کننده، دستیار کارگردان و خواننده تیتراژ این مسابقه، نیز حضور داشت.